

بابا گفت: «عصری می بینمت!»
و لپ متیو را یک ماچ گنده کرد.

اما متیو پرسید: «حالا اگر ماشین سبز قدیمی
عصری اصلاً روشن نشود، آن وقت چی؟»
بابا خودش هم یک لحظه شک کرد:
«اگر روشن نشود...»



«... آهان، آن وقت با تراکتور قرمز گندهی
آقای همسایه می‌آیم دنبالت.»

